



قسمت بیست و هشتم

شرایط رهبری و نمایندگان مجلس در کلام امام (س)

شرایط نمایندگان مجلس از نظر حضرت امام (س) —

حال اگر مردم در سرنوشت کشور و ملت و انقلاب دخالت نمایند و در جریان امور کشور و مملکت باشند با توجه به آگاهی که دارند و به اسلام عزیز وفادار و متعهد هستند بدون تردید به کسانی که عمری به آنان ستم روا داشته و مانند زالو خون آنان را مکیده و املاک و زمین‌ها و هستی محرومان را زیر سلطه و تملک خویش درآورده است رأی نخواهند داد و زمین‌خواران و مرفهین بی درد جرات اینکه خودشان را مطرح سازند پیدا نخواهند کرد و به کسانی رأی خواهند داد که انقلابی و متعهد به اسلام و قرآن باشند و محرومیت و رنج مستضعفان عالم را درک کرده و خود یکی از آنان بوده و با تمام وجود آنها را لمس کرده باشند یعنی خودشان از محرومان و طبقه مستضعف جامعه باشند تا بتوانند درد دردمندان را درک و در فکر برطرف کردن و علاج آنها باشند و اگر اینگونه باشیم و نظام را به این سمت هدایت کنیم که خود مردم با کمال روشنی و ملموس درک کنند که خودشان هستند که دارند تصمیم می‌گیرند و دیگران برای آنان اعمال قیمومیت و ولایت مانند ایتم و صغار نمی‌نمایند. به رئیس جمهوری و نمایندگان رأی خواهند داد که:

- ۱- از طبقه محروم باشند و طعم محرومیت و مظلومیت مستضعفان و محرومان جامعه را لمس کرده باشند.
- ۲- از سرمایه داران و زمین‌خواران و صدرنشینان مرفه و غرق در لذت و شهوات که تلخی و رنج گرسنگان و پابرهنگان را نمی‌توانند بفهمند نباشند.
- ۳- از افراد شایسته و متعهد به اسلام باشند.
- ۴- دلسوز و علاقمند برای کشور و ملت باشند.

اگر چنین کردیم مشمول این سخن امام (س) خواهیم شد: «و باید بدانیم که اگر رئیس جمهور و نمایندگان مجلس شایسته و متعهد به اسلام و دلسوز برای کشور و ملت باشند بسیاری از مشکلات پیش نمی‌آید و مشکلاتی اگر باشد رفع می‌شود و همین معنی در انتخاب خیرگان

برای تعیین شورای رهبری یا رهبر یا بزرگی خاص باید در نظر گرفته شود که اگر خیرگان که با انتخاب ملت تعیین می‌شوند از روی کمال دقت و با مشورت با مراجع عظام هر عصر و علماء بزرگ سرتاسر کشور و مندبین و دانشمندان متعهد به مجلس خیرگان بروند بسیاری از مهمات و مشکلات به واسطه تعیین شایسته‌ترین و متعهدترین شخصها برای رهبری یا شورای رهبری پیش نخواهد آمد، یا با شایستگی رفع خواهد شد. و با نظر باصل بکشد و نهم و بکشد و دهم قانون اساسی، وظیفه سنگین ملت در تعیین خیرگان و نمایندگان در تعیین رهبر یا شورای رهبری روشن خواهد شد که اندک مسامحه در انتخاب، چه آسیبی به اسلام و کشور و جمهوری اسلامی وارد خواهد کرد که احتمال آن که در سطح بالای از اهمیت است برای آنان تکلیف الهی ایجاد می‌کند».

(وصیت نامه سیاسی الهی)

بهترین و موقرترین شیوه‌ای که تجربه کردند و به امت اسلام تعلیم دادند و روی آن اصرار می‌ورزند این است، مردم اند که رئیس جمهور را روی کار می‌آورند و همان مردم هستند که از طرف خودشان نمایندگان شایسته را به مجلس شورای اسلامی می‌فرستند و نماینده انتخاب می‌نمایند و همان مردم هستند که خیرگان رهبری را انتخاب می‌نمایند. فکر نکنند مردم قدرت تشخیص ندارند و فکر نکنند مردم توان و قدرت تحلیل جریانات سیاسی را ندارند و شما در دوران حیات حضرت امام ملاحظه کردید که چگونه هم در انتخابات خیرگان قانون اساسی و هم در انتخابات خیرگان رهبری چطور با همان شیوه و قانونی که به تصویب حضرت امام (س) رسیده بود افراد مورد اعتماد خودشان را به نحو احسن و مطلوبی انتخاب کردند و برگزیدند و تکلیف الهی خویش را ادا کردند مع الاسف با مرور زمان افرادی که مدعی درک و تحلیل سیاسی هستند تحت تأثیر جریاناتی قرار گرفتند و با حیل مختلف

اینکه ممکن است افرادی فکر کنند هر کسی می تواند متصدی این مقام و سمت تعیین کننده در نظام جمهوری اسلامی باشد هشدار می دهد. اولاً مقام و موقعیت ظاهری و سمتها نمی توانند افراد را بسازند و موجب کنترل و حفظ و حراست آنان شوند بلکه انسانها هستند که در سایه اطمینان نفس و اعتماد به خود و در پرتو توجهات غیبی و سیر الی الله قبل از آنکه به مقامی برسند و دارای موقعیت بزرگ سیاسی شوند می توانند به موقعیتهای جهت داده و از آنها برای حل معضلات و مشکلات مردم و احیاء سنن الهی و ارزشهای دینی به نحو مطلوب بهره برداری نمایند. ما قبل از آنکه وارد بحث ابعاد و زوایای مختلف رهبری و ولایت دینی باشیم و با توجه به متون اسلامی و معیارهای قانونی جایگاه و نقش آن را مشخص سازیم عین عبارت حضرت امام را می آوریم و بعد وارد آن مباحث می شویم:

«و وصیت اینجانب بر رهبر و شورای رهبری در این عصر که عصر نهاجم ارفدونها و وابستگان به آنان در داخل و خارج کشور به جمهوری اسلامی و در حقیقت به اسلام است در پوشش جمهوری اسلامی و در عصرهای آینده آن است که خود را وقف در خدمت به اسلام و جمهوری اسلامی و محرومان و مستضعفان بنمایند و گمان نمایند که رهبری فی نفسه برای آنان تحفه ای است و مقام والائی، بلکه وظیفه سنگین و خطرناکی است که لغزش در آن اگر خدای نخواسته با هوای نفس باشد ننگ ابدی در این دنیا و آئین غضب خدای قهار در جهان دیگر در پی دارد. از خداوند متان هادی با تضرع و ابتهال می خواهیم که ما و شما را از این امتحان خطرناک با روی سفید در حضرت خود بپذیرد و نجات دهد و این خطر قدری خفیف تر برای رؤساء جمهور حال و آینده و دولتها و دست اندرکاران به حسب درجات در مسئولیتها نیز است که باید خدای متعال را حاضر و ناظر و خود را در محضر مبارک او بدانند. خداوند متعال راهگشای آنان باشد.»

حضرت امام (س) در این قرار علاوه بر اینکه رهبری را در نظام اسلامی یک امر اساسی و محوری می داند و تمام مسائل دیگر را در راستای رهبری و ولایت قابل تفسیر و توجیه می داند و با توجه به محور بودن مسئله رهبری علاوه بر اینکه شیوه خاصی با ویژگی های مخصوصی برای انتخاب وی پیشنهاد داده اند و توصیه های لازم را به نمایندگان خبرگان فرموده اند که احتیاطات لازم را به عمل آورده و در انتخاب شایسته ترین فرد با دقت وارد صحنه شده و از اهمیت موضوع غفلت ننمایند و از مردم خواسته در این باره با علماء بلاد و روحانیون بزرگوار و مراجع عظام مشورت نمایند تا برای مجلس خبرگان افرادی را انتخاب نمایند که توان انجام این نوع وظیفه بزرگ و سنگین و الهی را داشته باشند. بنابراین اهمیت موضوع برکسی پوشیده نیست و جایگاه رفیع امامت و رهبری هم برهنگان واضح و آشکار است. در عین حال

آن شیوه مقبول و مجرب دوران حضرت امام را کم رنگ کردند و پیش آمد آن چیزی که مصلحت نبود پیش آید و لذا توصیه می شود مجدداً این جملات حضرت امام را در این وصیتنامه سیاسی الهی برای چندمین بار قرائت نمایند و بکوشند در عمل و اجراء آن را مد نظر قرار دهند و به خدای لایزال قسم از این مردم جز خیر و سعادت چیز دیگری نمی آید و مردم علاوه بر اینکه خودشان از شعور بالای سیاسی برخوردار هستند و تجربیات تاریخ طولانی سیرخ تشیع علوی و حسینی را دارند و علل و عوامل شکست ها و پیروزی ها را به خوبی می توانند تشخیص دهند و افراد امین و آگاه و مورد اعتماد و انقلابی را از همه بهتر می شناسند و در مجالس علما و گویندگان متعهد به اسلام و انقلاب شرکت کرده و با آنان بزرگ شده اند راه شناخت افراد را دارند. اگر ما زمینه به غلط افتادن آنان را فراهم نکنیم آنان در سطح عموم به خطا و غلط نمی افتند.

در عین حال حضرت امام (س) این موضوع را هم با کمال دقت ملاحظه فرموده اند و احتمال اینکه شاید مردم در تشخیص نمایندگان و رئیس جمهور و خبرگان به خطا بیافتند عقلانی دانسته اند و راه حل خوب و معقول و منطقی هم ارائه فرموده اند و آن راه مشورت با افراد تحصیل کرده و روشنفکر متعهد به اسلام و علماء اعلام و روحانیون انقلابی و مردمی و مراجع معظم و بزرگوار است که ملت مسلمان ایران همیشه با این قشر سروکار داشته و ارتباط فوق العاده عمیق و سابقه داری را دارند و می توانند از این طریق افراد لایق و صالح را برای ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی و خبرگان شناسائی کرده و انتخاب نمایند و تنها راه و علاج جلوگیری از اجتناب و نفوذ دشمنان اسلام به کشور اسلامی و راه حفظ و نگهداری انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی همین است. اگر انقلاب و نظام مردمی است که واقعاً مردمی است راه و شیوه اش همین است و راه بهادار دادن به مردم نیز همین است و این همان راه و روشی است که یک مجتهد جامع الشرایط اسلامی و آگاه به زمان و مکان و جریانات عالم از متن اسلام و قرآن و سنت نبوی صلی الله علیه و آله و سلم بدست آورده و در اختیار امت اسلام قرار داده است و ذخیره بسیار بزرگ و ارزشمندی است که ما باید با جان و دل خریدارش بنائیم و حفظ و حراستش کنیم.

حضرت امام (س) و رهبری

پس حضرت امام (س) به رهبر و شورای رهبری می پردازد و نقش والا و بالای این جایگاه رفیع را مشخص و از خطرات بی توجهی و بی تفاوتی نسبت به این امر مهم و موضوع اساسی امت می هراساند و از

الف: امامت و رهبری در سخنان امام.

ب: امامت و رهبری در قانون اساسی.

پس از آنکه از دو نظر نقش امامت و رهبری مشخص گردید در پایان بصورت استنتاج و جمع بندی موضوع را به پایان میرسانیم.

الف: امامت و رهبری در سخنان حضرت امام (س)

انسان از نزدیک اگر با سخنان حضرت امام (س) انس نداشته باشد نمی تواند باور کند که معظم له از امامت و رهبری امت اسلامی چه تفسیرها و برداشتهائی دارد و چگونه ایشان توانسته اند میان اوج بالا و بلندی که رهبری در اسلام دارد و از یک حالت فوق العاده الهی و نفسانیت مطمئن نشئت می گیرد و در رهبر صلاحیت های فوق العاده مهم و از جمله ولایت بر امت اسلام بوجود می آورد و خصوصیات اخلاقی ظریف و روانی و انسانی جمع کرده و به صورت یک مجموعه کامل در آورد و در عین اینکه از یک قدرت و اختیارات وسیع و گسترده ای برخوردار است و فرامیوشد مانند فرمان رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم لازم الاتباع است در عین حال متواضع در مقابل اقشار مردم و ملت مظلوم و ستم دیده است که گاهی یک بچه ۱۲ ساله را رهبر می داند و گاهی کسان دیگر را. و لذا به بعضی از آنها در اینجا اشاره می شود:

- ۱- من برای خودم نقشی جز هدایت ملت و حکومت بر نمی گیرم.
- ۲- من از خدای تبارک و تعالی توفیق شما را می خواهم. من از بیرون آمده ام که خدمت به شما بکنم، من خادم شما هستم، من خادم ملت شما هستم. من آمده ام که بزرگواری شما را حفظ کنم. من آمده ام که دشمنهای شما را زمین بزنم. من آمده ام که ملت را یک ملت مستقل کنم... و دست اجانب را از مملکت کوتاه کنم.
- ۳- ما همه سرباز خدا هستیم انشاء الله... نه نوسرباز منی و نه من سرباز تو و ما با هم قیام کردیم که اسلام را در اینجا زنده کنیم.
- ۴- درباره نقش زنان انقلابی و صلاحیت آنان حتی برای رهبری اینطور دارد: شما رهبر نهضت هستید، بانوان رهبر ما هستند و ما پیرو آنهایم. من شما را به رهبری قبول دارم و خدمتگزار شما هستم. خداوند شما را حفظ کند! البته تواضع است اما از یک نفس مطمئن و مخلص این تواضع نشئت گرفته است.

۵- اگر من پیام را کنار گذاشتم و کج گذاشتم ملت موظف است که بگوید پایت را کج گذاشتی متوجه باش و خودت را حفظ کن همه باید مراعات این مسئله را بکنیم، توجه داشته باشیم که مبادا من یک وقت کلمه ای برخلاف مقررات اسلام بگویم اعتراض کنند، بنویسند، بگویند،

چه حکومت باشد و چه کسانی که از دادگاهها هستند و هر جای دیگر؟
 ۶- رهبر ما آن طفل ۱۲ ساله ای است که با قلب کوچک خودش که ارزشش از صدها قلم و زبان ما بزرگتر است، خود را با نارنجک زیر نانک دشمن انداخت و آن را منهدم نمود و خود نیز شربت شهادت نوشید. خداوند، من از پیشگاه مقدس تو عذر می خواهم که کودکان و جوانان عزیز ما خود را فدا کنند و ما بهره کشی نماییم.

هر انسان با انصافی می داند امام این جملات را برای اینکه در میان مردم، محبوب القلوب باشد نمی گفتند و از روی هوی و میل نفسانی هم به زبان و قلم جاری نمی کردند زیرا که سوابق درخشان و تزکیه نفس و مجاهدت عارفانه ایشان آنقدر روشن و معلوم است که بر کسی جرأت چنین احتمالی را نمی دهد. پیدا است ایشان از خود علمی و مادی و ناسوتی عبور کرده و بطور جدی خود را گم و فراموش کرده و اقا بی نهایت را پیدا کرده است و این جهتم ناسوتی را مرتبط و متصل بدنیای دیگر و جهان برتر و والا تر نموده است و لذا چون مصداق واقعی عبادت شده است صلاحیت امامت را یافته و بعنوان پدر مهربان و مشفق مردم و خدمتگزار انسانها در کنار مردم بزرگواری قرار گرفته است و این نوع امامت و رهبری همان چیزی است که در لسان روایات اهل بیت پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله وسلم با صراحت آمده است. و در آن روایات امام بعنوان پدری دلسوز و مهربان و برادری مدافع و رشید معرفی شده است و این مفاهیم در شخصیت رهبری این پیشوای بزرگواری به روشنی دیده میشود.

در یکی از بیانات و اعلامیه شان به هر دو بعد رهبری چنین تصریح دارند: ما به واسطه انکاء به این آراء عمومی که شما الآن می بینید و دیدید تا کنون آراء عمومی با ماست و ما را بعنوان وکالت، بفرمایید با بعنوان رهبری، همه قبول دارند. از این جهت ما یک دولتی را معرفی می کنیم... و امن باید یک نتیجه دیگری هم بدهم و آن اینکه من که ایشان را حاکم کرده ام (منظور رئیس دولت موقت) یک نفر آدمی هستم که به واسطه ولایتی که از طرف شارع مقدس دارم، ایشان را قرار داده ام. ایشان واجب الاتباع است. ملت باید از او اتباع کند... من نتیجه می دهم به کسانی که تخیل این امر را بکنند که کارشکنی بکنند، یا خدای نخواستنی قیام بر ضد این حکومت بکنند. من اعلام می کنم که جزای آنها بسیار سخت است در فقه اسلام.

- ۱- کلام امام- دفتر ششم ص ۱۹.
- ۲- کلام امام- دفتر ششم صفحه ۱۷.
- ۳- کلام امام- دفتر ششم صفحه ۳۲.
- ۴- کلام امام- دفتر ششم صفحه ۴۱.
- ۵- کلام امام- دفتر ششم صفحه ۴۲.
- ۶- کلام امام- دفتر ششم صفحه ۴۸.
- ۷- علاقمندان بکتاب امت و امامت از دیدگاه قرآن و سنت اثر نگارنده مراجعه نمایند.
- ۸- کلام امام- دفتر ششم صفحه ۶۴.